فصلنامهٔ علمی ـ پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفدهم، زمستان ۹۶، شماره ۶۷
Social Welfare Quarterly, Vol 17, Winter 2018, No 67

تأثیر فساد بر توزیع درآمد: رهیافت داده‌های پانل

The Effect of Corruption on Income Distribution: A Panel Data Approach

Parvaneh Salatin[1]

introduction: In economic literature, financial corruption is defined as the abuse of public resources to one's own personal interests. Financial corruption is a multidimensional, complex phenomenon having many causes and consequences. It is demonstrated on different cultural, political and economical scale. Increased paperwork in bureaucracies paves the way to the financial corruption. High, illegal payments to the public authorities, payments made to affect regulation process, public distrust, payments made to duck away from taxes or to achieve import and export permits, utilization of the national budget for personal purposes and finally, payments by highly influential figures and monopolies made to leave other corporations deficient, are the major factors to determine the corruption index. Financial corruption creates inefficient assignments for the genius. In a situation where financial corruption is prevalent in a society, people specifically the talents, try to use illegal ways like bribery and economic rent,

1. PH.D. in Economics, <p_salatin@iauec.ac.ir>

پروانه سلاطین*

مقدمه: *در ادبیات اقتصادی، فساد مالی سوءاستفاده از منابع عمومی برای منافع شخصی تعریف شده است. فساد مالی پدیده‌ای پیچیده، چندبعدی و دارای علل و آثار چندگانه است که در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مطرح می‌شود. گسترش کاغذبازی در دیوان‌سالاریها که زمینه بروز فساد مالی را فراهم می‌کند، میزان شیوع پرداخت غیر قانونی در بین افراد و شرکتهای دولتی برای پیش‌برد کارها، پرداختهایی که برای تأثیر بر فرایند قانون‌گذاری انجام می‌شود، عدم اعتماد عمومی به درست کاری مالی سیاستمداران، پرداختهایی که برای دست‌یابی به مجوزهای صادراتی و وارداتی و همچنین فرار مالیاتی صورت می‌گیرد، استفاده سیاست‌مداران از بودجه عمومی و در نهایت پرداختهای غیر قانونی که توسط افراد با نفوذ و همچنین انحصارهایی که برای زیان سایر بنگاهها صورت می‌گیرد از جمله عوامل مهمی هستند که وضعیت فساد در کشورها را تعیین می‌کنند. وجود فساد مالی سبب تخصیص غیر بهینه استعدادهای جامعه می‌گردد. در شرایطی که فساد مالی در جامعه شایع شود، افراد به‌ویژه نیروهای انسانی با استعداد به‌جای استفاده از خلاقیت و نوآوری خود سعی می‌کنند از رهگذر پرداخت رشوه و توافق با مقامات دولتی، اقدام به کسب رانت قانونی یا مجوز دولتی نمایند. حال آن که این افراد*

* دکتر اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، (نویسنده مسئول)، <p_salatin@iauec.ac.ir>

به‌طور بالقوه می‌توانستند ظرفیت جامعه را از لحاظ پیشرفت فنی ارتقا دهند. فساد مالی پدیده‌ای فراگیر است که تمامی کشورها اعم از کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه با آن مواجه هستند. مطالعات متعدد نشان می‌دهند که در کشورهای درحال‌توسعه، کاهش فساد مالی با افزایش نابرابری درآمدی همراه بوده است. در مقابل در کشورهای توسعه‌یافته، کاهش فساد مالی منجر به کاهش نابرابری درآمدی گردیده است. در این راستا هدف اصلی این مقاله بررسی میزان تأثیرگذاری فساد مالی بر توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط با استفاده از مدلهای پانل ایستا و پانل پویا می‌باشد.

روش: تحقیق حاضر از نظر هدف یک تحقیق کاربردی، از نظر روش مطالعه علی و از نظر روش تحقیق و ماهیت و شیوه نگرش پرداختن به مسأله تحلیل ثانویه طولی و استنباطی است. از نظر روش شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات و منابع آماری، روش مورد استفاده روش اسنادی مکتوب، اطلاعات الکترونیکی و فیش برداری می‌باشد. در این مطالعه به اطلاعات آماری موجود در بانک جهانی مراجعه و استناد گردیده است. و با مدل سازی عوامل مؤثر برتوزیع درآمد با تأکید بر فساد از رگرسیونهای چند متغیره و داده‌های پانل و نرم‌افزارهای Excel و Eviews استفاده شده است. به کار بردن داده‌های پانل مزیتهایی دارد که آن را از روشهای دیگر متمایز می‌سازد. داده‌های پانل دارای اطلاعات بیشتر، تغییرپذیری بیشتر، هم‌خطی کمتر، درجه آزادی بالاتر و کارآیی بالاتر نسبت به سری زمانی و داده‌های مقطعی می‌باشند. به‌ویژه این که یکی از روشهای کاهش همخطی، ترکیب داده‌های مقطعی و زمانی به‌صورت پانل می‌باشد.

instead of their skills, to achieve public permits. Otherwise, these people could increase the society's potential for technical development. Financial corruption is a widespread phenomenon that all countries, including both developed and developing countries, have to face. Several studies show that reducing the corruption in developing countries has been accompanied by increasing the income inequality. In contrast, in developed countries, reducing the corruption leads to a reduction in inequality.In this regard, the main objective of this study is to analyze the effect of corruption on income distribution in middle-income selected countries.

Method: In terms of purpose, this study was an applied research and with regard to method, it was a causal study. In terms of research method, the nature and manner of addressing the problem secondary longitudinal and inferential analyses were applied. In terms of the method of identifying and collecting information and statistical resources, written document, electronic information and vector scanning. In this study, we referred to the statistical have been applied. data available at the World Bank. Using multivariate regression and panel data and Excel and Eviews

یافته‌ها : نتایج حاصل از برآورد مدل با استفاده از روش اثرات ثابت و گشتاور تعمیم یافته در گروه کشورهای منتخب در دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۳ نشان می‌دهد فساد مالی تأثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط دارد. همچنین سایر نتایج مدل نشان می‌دهند که با افزایش نرخ بیکاری در گروه کشورهای منتخب، ضریب جینی افزایش و توزیع درآمد نابرابر گردیده است. با بهبود فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) و افزایش تولید ناخالص داخلی واقعی از مقدار ضریب جینی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط کاسته شده و توزیع درآمد بهبود یافته است. گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات سبب بهبود دسترسی به جریان آزاد اطلاعات، افزایش تولید و بهبود توزیع درآمد می‌گردد. در تخمین پویا تورم تأثیر مثبت و معنادار و درجه باز بودن اقتصاد تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص توزیع درآمد داشته است. افزایش سطح عمومی قیمتها، سبب کاهش دستمزد واقعی و کاهش قدرت خرید قشر حقوق بگیر و افزایش نابرابری درآمدی می‌گردد. تورم و درجه باز بودن اقتصاد در تخمین ایستا رابطه معناداری با ضریب جینی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط ندارند.

بحث: درزمینه تأثیر فساد مالی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد دو نظریه رقیب و متعارض وجود دارد. گروه اول تئوریهایی هستند که فساد را به مثابه نیرویی می‌دانند که با ایجاد اختلال در تخصیص بهینه کالاها، هدایت نخبگان جامعه به رانت جویی، کاهش مشروعیت دولتها در ایجاد نهادهای حامی بازار به

softwares, modeling the factors affecting the distribution of income with emphasis on corruption has been used. Using the panel data has advantages that make it different from other methods. Panel data has more information, greater variability, lower coherency, higher degrees of freedom, and higher efficiency over time series and cross-sectional data. Particularly, one of the ways to reduce coherence is to combine cross-sectional and temporal data into panels.

Findings: The results of estimating the model using the Fixed Effect and Generalized Method of Movement in the selected countries in the period of 1996-2013 indicate that financial corruption has a positive and significant effect on the Gini coefficient as an income distribution index in middle-income selected countries. Also, other results of the model show that with increasing unemployment in middle-income selected countries, the Gini coefficient has increased and the distribution of income has been uneven. By improving information and communication technology (ICT) and increasing real GDP, the Gini coefficient has decreased in middle-income selected countries and the distribution of in-

عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و از این رهگذر موجبات کاهش رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورده و توزیع درآمد را نابرابر می‌سازد. در نظریه دیگر، فساد با دور زدن قوانین و بوروکراسیهای نابجا و ناکارآمد بازارها، کارگزاران بخش خصوصی را به کاهش هزینه‌های تولید و افزایش سرمایه‌گذاری با کمک مصادیق فساد مالی ترغیب نموده، درنتیجه موجبات رشد و توسعه اقتصادی و توزیع عادلانه‌تردرآمد را فراهم می‌آورند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط نظریه گروه دوم صادق است. با توجه به نتایج این مطالعه استفاده از ابزارهایی مانند پرداخت یارانه به گروههای کم درآمد، اخذ مالیات از گروههای پردرآمد، اصلاح نظام مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیات، کنترل تورم، توجه به تأمین اجتماعی در جهت بهبود توزیع درآمد، تلاش و برنامه‌ریزی به منظور بهبود فضای کسب‌وکار و کاهش حجم و اندازه دولت و ایجاد شرایط لازم برای مشارکت بیشتر بخش خصوصی، کاهش بخش غیررسمی اقتصاد، بازرسی و کنترل بیشتر بر اجرای قوانین و مقررات، تلاش در جهت روشن سازی قوانین و مقررات و رفع برداشتهای شخصی از آنها، ساده‌سازی مقررات و استفاده از تجربه کشورهای موفق توصیه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها : پانل دیتا، توزیع درآمد، ضریب جینی، فساد، کشورهای درآمد متوسط.

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۲۷

come has improved. The expansion of information and communication technology improves access to free flow of information, increased production and improved distribution of income. In dynamic estimation of inflation, the positive and significant effects and the degree of openness of the economy had a negative and significant effect on the Gini coefficient as an indicator of income distribution. Increasing the general level of prices, reducing real wages and reducing the purchasing power of the labor rights will increase income inequality. Inflation and the degree of openness of the economy in the static estimation have no meaningful relation with the Gini coefficient in middle-income selected countries.

Discussion: There are two rival and contrasting theories on the effect of financial corruption on economic development. The first group are theories that consider corruption as a force that damages the efficiency of markets and in this way causes a decrease in economic development. In the other theories, corruption brings about an increase in economic development and growth by bypassing the inapt market regulations and bureaucracies. The results of this study indicate that in the group of selected countries the average income of the second group theory is true. According to the results of this study, efforts and planning to improve the business environment and reduce the volume and size of the state and create the conditions for the greater participation of the private sector, reducing the informal sector of the economy, monitoring and controlling the implementation of laws and regulations, attempting to clarify laws and regulations and removing personal perceptions of them, simplifying regulations and It is recommended to use the experience of successful countries.

Keywords:Corruption, Gini coefficient, Income distribution, Panel data, Middle-income countries

مقدمه

موضوع توزیع عادلانه درآمد و اجرای عدالت اجتماعی و توجه بیشتر به نیازهای کلیه اقشار جامعه اعم از مولد، غیرمولد یا آسیب‌پذیر در جهت حمایت از حداقل میزان معیشت زندگی آنان یکی از عمده‌ترین مباحث و مسائل مهم توسعه اقتصادی، اجتماعی محسوب می‌شود. امروزه کشورهای درحال‌توسعه، به‌دنبال دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی روزافزون می‌باشند. روشن است که در این مسیر نقش عوامل بنیادی تأثیرگذار بر توزیع درآمد همچون فساد مالی، قابل توجه و تأمل می‌باشد. در سالهای اخیر و بعد از مطرح شدن طرح کاهش فقر در جهان چگونگی توزیع درآمد بیشتر از قبل مورد توجه قرار گرفت. زیرا در دنیای امروز بزرگ‌ترین عامل ایجاد کننده فقر نه کمبود درآمد، بلکه توزیع ناعادلانه آن است. ریشه کن کردن فقر و تعدیل نابرابری درآمد زمانی که با رشد اقتصادی درنظر گرفته شود، به بزرگ‌ترین هدف و دشوارترین وظیفه سیاست‌گذاران اقتصادی در کشورهای درحال‌توسعه تبدیل می‌شود؛ زیرا این کشورها همواره گرفتار سطح پایین درآمد سرانه و نیز گستردگی شکافهای درآمدی بوده‌اند. یکی از پیامدهای مهم اجرای برنامه‌ها و سیاستهای توسعه اقتصادی در کشورهای درحال‌توسعه، پیدایش و گسترش روزافزون بخش غیررسمی یا اقتصاد سیاه است (محمدبیگی، ۱۳۷۶). کاهش تولیدات صنعتی و به‌دنبال آن پیچیده‌تر شدن مشکل بیکاری و از بین رفتن فرصتهای سرمایه‌گذاری برای

اشتغال مولد و مؤثر در افزایش فقر از پیامدهای این‌گونه فعالیتهاست (شمس‌الدینی، ۱۳۸۷). با توزیع عادلانه‌تر درآمد، جامعه دارای قشر بزرگ‌تری از طبقه متوسط شده و تقاضای کل در جامعه افزایش می‌یابد. افزایش تقاضا نیز در صورت کشش‌پذیر بودن سمت عرضه به معنای دادوستد و کسب‌وکار بیشتر، اشتغال، درآمد، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری بیشتر و در نهایت رشد بیشتر اقتصادی است. توزیع عادلانه درآمد سبب افزایش سطح زندگی اقشار وسیعی از توده‌های مردم از طریق بهبود در امور بهداشت، تغذیه و سواد آنان می‌شود که درنتیجه سبب افزایش بهره‌وری در تولید و تقویت انگیزه مردم و تشویق آنها به مشارکت در اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی جامعه می‌شود (لشکری، ۱۳۸۸). برعکس نابرابریهای درآمدی موجب نابرابریهای آموزشی، بهداشتی، کاهش اعتبار، رضایت شغلی، نرخ مشارکت، کاهش اعتماد به نفس و سایر نابرابریها می‌شود. داشتن اطلاعات در رابطه با عوامل مؤثر بر توزیع درآمد و تعیین میزان تأثیرگذاری آنها بر توزیع درآمد می‌تواند تصویر دقیق‌تری از اقتصاد را به معرض نمایش گذارد. در این راستا هدف اصلی این تحقیق بررسی میزان تأثیرگذاری فساد مالی بر توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۱۳-۱۹۹۶ است. مطالعات درزمینه نقش فساد مالی بر توزیع درآمد به‌عنوان یکی از مباحث چالش برانگیز و جدید در سالهای اخیر مورد توجه پژوهشگران بوده است. بر اساس یافته‌ها، فساد مالی نه تنها رشد اقتصادی بلکه توزیع درآمد را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. از مطالعات مهم درزمینه ارتباط میان فساد و نابرابری درآمد می‌توان به مطالعه لی و همکارانش[1] (۱۹۹۸) اشاره کرد. آنها تشریح کردند در شرایطی که سطح فساد خیلی بالا یا خیلی پایین است نابرابری در سطح پایینی خواهد بود و در صورتی که در سطح متوسط باشد، نابرابری افزایش خواهد یافت. گوپتا و همکارانش[2] (۲۰۰۰) نشان دادند که ناکارآمدی

1. Li
2. Gupta

در نظام مالیاتی و گریز از مالیات در صورت بروز و گسترش فساد موجب افزایش نابرابری می‌گردد. بر اساس مطالعه امان‌الله و احمد[1] (۲۰۰۷) و محمدامین و اتزاز[2] (۲۰۱٦) با افزایش فساد مالی، نابرابری درآمدی افزایش یافته درحالی که نتایج مطالعات اندرسن[3] و همکاران (۲۰۰۸)، چونگ و گرادستین[4] (۲۰۰٤) و هونگ[5] (۲۰۱۲) نشان دادند که در امریکای لاتین و کشورهای فقیر، کاهش فساد با افزایش نابرابری درآمدی همراه بوده است. جانگ و خاگرام[6] (۲۰۰۵) ارتباط دوسویه میان فساد و نابرابری اقتصادی را نشان می‌دهند. نتایج مطالعات چونگ و گرادستین نشان داد که در کشورهای فقیر کیفیت نهادی که به واسطه شاخص ترکیبی مبتنی بر شاخص فساد و رشوه‌خواری، کیفیت تشریفات اداری، حاکمیت قانون، خطر سلب مالکیت اندازه‌گیری می‌شود با نابرابری درآمدی رابطه مثبت و قوی دارد. کناک و کیفر[7] (۲۰۰۳)، مایور[8] (۱۹۹۵)، کلاگیو[9] (۱۹۹۷)، آلسینا[10] (۱۹۹۸)، لاپور و همکاران[11] (۱۹۹۸)، کناک[12] (۲۰۰۳)، فنگ[13] (۲۰۰۳) و هلن پویرسون[14] (۱۹۹۸) نشان دادند که فساد اثرات مستقیمی بر رشد و توسعه اقتصادی دارد. هانسون و کسندا[15] (۲۰۱۵) تشریح کردند که تأثیر کاهش فساد بر افزایش و یا کاهش سرمایه‌گذاری بخش عمومی مبهم و وابسته به نوع کشور و ساختارهای نهادی آن است در صورت وجود ساختارها و نهادهای قوی و کارآمد، کاهش فساد با افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی همراه می‌باشد که در نهایت توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد. از دیدگاه ایل آیوتی[16] (۲۰۰۳) فساد پدیده پیچیده‌ای است که در همه کشورها وجود دارد از یک طرف عوامل ایجاد کننده فساد در شرایط توسعه ایجاد می‌شود و از طرف دیگر اثرات آن پروسه توسعه و پیشرفت را به تأخیر می‌اندازد. پالدام[17] (۱۹۹۹) تأثیر

---

1. Aman Ullah and Ahmad
2. Mohammad Amin and Eatzez
3. Andres
4. Chong and Gradstein
5. Huan
6. Jong and khagram
7. Knack and Keefer
8. Mauro
9. Clague
10. Alesina
11. La porto
12. Knack
13. Feng
14. Poirson
15. Hanousek and Kochanova
16. El-Ayouty
17. Paldum

فساد مالی بر رشد اقتصادی را کوچک و متغیر می‌داند و معتقد است که درست‌کاری، یک عامل تولید ضعیف و نامحسوس است. تانزی و داودی[1] (۱۹۹۷) با بررسی تأثیر فساد مالی بر کیفیت سرمایه‌گذاریهای عمومی در دوره زمانی ۱۹۹۵ـ۱۹۸۰ دریافتند بالاتر بودن فساد مالی با بالاتر بودن سرمایه‌گذاری عمومی و پایین‌تر بودن کیفیت زیر ساختهای عمومی، همبستگی دارد. لذا شواهد و مطالعات تجربی نشان می‌دهند که اجماع نظر درزمینه ارتباط فساد و توزیع درآمد وجود ندارد (مطالعات تجربی دوگانگی یافته‌ها درزمینه تأثیر فساد بر توزیع درآمد را آشکار می‌سازند) و همچنان جدال بر سر این موضوع در جامعه علمی ادامه دارد. از این‌رو در این مطالعه به بررسی چگونگی ارتباط و میزان تأثیرگذاری فساد مالی بر توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط و آزمون فرضیه زیر پرداخته شده است.

- فساد مالی تأثیر معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب دارد.

در ادامه پس از بررسی مبانی نظری و سابقه پژوهش، ساختار مدل مورد استفاده معرفی و برآورد می‌شود و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌گردد.

مبانی نظری

کلمه «فساد» از ریشه «فسد» بوده که به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است. بانک جهانی، فساد مالی را سوءاستفاده از قدرت و اختیارهای دولتی به منظور تأمین منافع شخصی تعریف کرده است. از تعریف مذکور نباید چنین برداشت کرد که فساد مالی مختص بخش دولتی است. در مواردی از فعالیتهای بخش خصوصی که دولت آنها را تنظیم و کنترل می‌کند نیز فساد مالی وجود دارد (رهبر و همکاران، ۱۳۸۱). این نکته توسط رز–

1. Tanzi and Davoodi

آکرمن[1] (۱۹۷۸) نیز مورد تأکید قرار گرفته است که «فساد مالی در نهان و در رگ و پوست بخشهای عمومی و خصوصی وجود دارد» مشتاق خان (۱۹۹٦) فساد مالی را تخلف در انجام وظیفه یا انحراف از قواعد رسمی رفتار یک مقام دولتی با انگیزه‌های شخصی مانند کسب ثروت، قدرت یا موقعیت اجتماعی تعریف کرده است (رز و همکاران، ۱۹۸۸).

فساد زمانی پدیدار می‌شود که انحراف در نظام مقررات و سیاست‌گذاری زمینه آن را فراهم آورده و نهادهای بازدارنده آن نیز ضعیف عمل کند. مشکل فساد در برآیند کارکرد بخش عمومی و خصوصی است. منافع خصوصی اعم از داخلی یا خارجی از طریق اعمال نفوذ به طریق غیر قانونی از فرصتهای موجود برای فساد انگیزی و رانت و رانت‌طلبی استفاده کرده و نهادهای عمومی نیز تسلیم این منافع و سایر فسادهایی می‌شوند که عامل بازدارنده نامطمئنی در مقابل آنها وجود ندارد. فساد به‌صورتهای مختلفی طبقه‌بندی می‌شود. فساد مالی، یک نوع از این نوع طبقه‌بندیهاست. برخی از صاحب‌نظران وجود و شیوع فساد مالی را تسهیل‌کننده توسعه اقتصادی دانسته و مدعی شده‌اند که فساد مالی و سایر مصادیق آن، راهی مؤثر برای دور زدن مقررات مزاحم و دست و پاگیر در نظام غیراثربخش است. این گروه به هیچ وجه ضایعات اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از فساد مالی را در نظر نمی‌گیرند. فساد مالی به شکل معافیتهای مالیاتی، بودجه برنامه‌های اجتماعی همچون آموزش و پرورش و بهداشت‌ودرمان را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، از آن جا که ذینفعان از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، به احتمال زیاد ثروتمندتر شده و بار مالیاتی انحصاراً به فقرا تحمیل می‌گردد. چنین سیستم مالیاتی فاسدی موجب می‌شود بودجه برنامه‌های کاهش فقر در جهت گسترش منافع گروههای ثروتمند تخصیص داده شود. حتی فساد مالی ممکن است ترکیب هزینه‌های اجتماعی را به شیوه‌ای که سود ثروتمندان در هزینه فقرا قرار گیرد، تغییر دهد. به‌عنوان مثال هزینه در آموزش عالی به‌جای مقطع ابتدایی، به سود گروههای درآمدی بالا منجر به افزایش

1. Rose and Ackerman

نابرابری درآمدی خواهد شد. آلسینا (۱۹۹۸) نشان داد که در کشورهای درحال‌توسعه، پروژه‌های بزرگ عمومی با هدف کاهش نابرابری درآمد، فرصت بیشتری برای فساد مالی ایجاد می‌کنند (از طریق مواردی مانند روزنه‌های فرار مالیاتی و فساد در تخصیص پروژه‌ها). محققان دیگری همچون چونگ و گرادستین (۲۰۰٤) و لی و همکاران (۱۹۹۸) ارتباط میان فساد مالی و نابرابری را در تعدادی از کشورهای ثروتمند و فقیر برآورد کردند. در کشورهای فقیر، کاهش فساد مالی با افزایش نابرابری درآمدی همراه بوده است در مقابل در کشورهای ثروتمند، کاهش فساد مالی منجر به کاهش نابرابری درآمدی گردیده است. در تحقیقات دیگر نیز همچون پژوهش آپرجیس[1] و همکاران (۲۰۰۹) در ایالات متحده امریکا، اثر نرخ بیکاری و فساد مالی بر نابرابری درآمد مثبت و معنادار ارزیابی گردیده است. این تحقیقات، دوگانگی یافته‌ها در کشورهای پردرآمد و کم‌درآمد را آشکار می‌سازند. از جمله عوامل ایجاد کننده چنین تضادی را می‌توان به منشاء متفاوت و پیچیده فساد مالی در کشورهای کم‌درآمد و پردرآمد اشاره کرد. چنانچه در کشورهای کم درآمد، مواردی همچون کیفیت بد قوانین و مقررات، دیوان سالاری ناکارآمد، ناکارایی نظام قضایی، حاکمیت قانون، کارگزاران بخش خصوصی را به کاهش هزینه‌های تولید و افزایش سرمایه‌گذاری با کمک مصادیق فساد مالی ترغیب کرده، درنتیجه ارتباط مثبت فساد، رشد اقتصادی و توزیع درآمد ایجاد می‌شود و در مقابل در کشورهای پردرآمد عواملی همچون اختلال در تخصیص مناسب کالاهای عمومی، هدایت غیربهینه نخبگان جامعه میان کارآفرینی و رانت جویی، کاهش مشروعیت دولتها در ایجاد نهادهای حامی بازار منجر به فساد مالی گشته، عملکردهای صحیح اقتصادی را همچون توزیع درآمد مختل می‌سازد (صباحی و ملک‌الساداتی، ۱۳۸۸). در این راستا از دیدگاه بسیاری از محققان، فساد مالی نه تنها رشد اقتصادی بلکه توزیع درآمد را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. با افزایش فساد مالی، رشد اقتصادی کاهش و نابرابری درآمدی افزایش می‌یابد

1. Apergis

(امان‌الله و احمد، ۲۰۰۷). در این تحقیق از داده‌های آماری بانک جهانی برای شاخص فساد استفاده شده است. بانک جهانی این شاخص را با استفاده از متدولوژی ترکیبات مشاهده نشده استاندارد[1] با تقریب و خطا از سال ۱۹۹٦ به بعد محاسبه کرده است. باید توجه داشت، هر چند این اعداد تا حدودی خطای اندازه‌گیری دارند و تقریبی می‌باشند ولیکن می‌توانند وضعیت رتبه‌بندی کشورها را از لحاظ ضعیف، متوسط، خوب و یا بحرانی بودن نشان دهند. دامنه شاخص فساد محاسبه شده توسط بانک جهانی میان ۲/۵ و ۲/۵- قرار دارد که هر چه شاخص محاسبه شده به عدد ۲/۵ نزدیک‌ترباشد وضعیت آن کشور به لحاظ شاخص فساد مناسب‌تراست به عبارت دیگر فساد کمتر است (کافمن[2] و دیگران، ۲۰۰۲، ۲۰۰٤، ۲۰۰۵، ۲۰۰٦، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸).

پیشینه تجربی

ادیب‌پور و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان «اثر فساد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد» به بررسی اثر فساد اقتصادی بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه کشورهای درآمد متوسط شامل ایران، ترکیه، هند، مالزی و چین و گروه کشورهای درآمد بالا شامل آلمان، فرانسه، ایتالیا، کانادا، ژاپن پرداختند. نتایج حاصل از برآورد مدل به روش اثرات ثابت در دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰ نشان داد که فساد تأثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی دارد. بدین‌معنا که با افزایش فساد اقتصادی در هر دو گروه نابرابری اقتصادی افزایش خواهد یافت. افزون بر این اثر رشد اقتصادی بر نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد بالا منفی و برای کشورهای با درآمد متوسط مثبت است. مالیات نیز تأثیر منفی بر نابرابری درآمدی دارد درحالی که بیکاری موجب افزایش نابرابری درآمدی شده است.

1. standard unobserved components models
2. Kaufmann

اصغرپور و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر فساد اداری بر نرخ پس‌انداز ناخالص ملی» به بررسی تأثیر فساد اداری بر نرخ پس‌انداز کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به تفکیک دو گروه کشورهای نفتی و غیرنفتی پرداختند. نتایج در دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۳ نشان داد که شاخص ادراک فساد (کاهش فساد اداری) تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ پس‌انداز ملی دارد و کشش نرخ پس‌انداز نسبت به شاخص ادراک فساد در گروه کشورهای نفتی نسبت به کشورهای غیرنفتی بیشتر است. بنابراین افزایش شاخص فساد (کاهش فساد اداری) در کشورهای نفتی، نرخ پس‌انداز را به میزان بیشتری در مقایسه با کشورهای غیرنفتی افزایش می‌دهد. همچنین نرخ تورم تأثیر منفی و متغیرهای درآمد سرانه و رابطه مبادله تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ پس‌انداز ملی دارند.

رضایی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تحلیل نقش عوامل بنیادی بر توزیع درآمد با تأکید بر نقش فساد» به تحلیل نقش عوامل بنیادی بر توزیع درآمد با تأکید بر نقش فساد در گروه کشورهای منتخب MENA پرداختند. نتایج با استفاده روش گشتاورهای تعمیم‌یافته در دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹٦ نشان داد که فساد مالی، رشد جمعیت و درآمد سرانه و تحصیلات تأثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری درآمد دارد. اگرچه تأثیر آزادسازی تجاری بر نابرابری درآمدی از لحاظ آماری معنادار نیست. همچنین توزیع درآمد بیش از هر متغیر دیگری از رشد جمعیت و عامل فساد متأثر است.

دل‌انگیزان و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر شاخص درک فساد مالی بر رشد اقتصادی بر اساس تفکیک بین کشوری در حوزه آزادی اقتصاد با روش گشتاورهای تعمیم‌یافته» در ۱۵٦ کشور در دوره زمانی ۲۰۱۱-۲۰۰۰ نشان دادند که در کشورهای با آزادی اقتصادی بالا، رابطه شاخص درک فساد مالی و رشد اقتصادی مثبت است، اما در کشورهای با آزادی اقتصادی متوسط و پایین، رابطه شاخص درک فساد مالی و رشد اقتصادی منفی می‌باشد. همچنین پایداری در سیاستهای کنترل فساد تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته

است اما در گروههای دوم و سوم، این پایداری به زیان رشد اقتصادی بوده و سبب کاهش آن شده است. الوانی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی استراتژیهای بین المللی مبارزه با فساد» بیست و شش شاخص در قالب چهار بخش اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری را برای تبیین استراتژی مبارزه با فساد جمهوری اسلامی ایران شناسایی کردند که در این میان شاخصهای حوزه اداری، دارای بیشترین اهمیت بوده‌اند. پورفرج و عیسی‌زاده روشن (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «فناوری اطلاعات و ارتباطات، نابرابری درآمد و رشد اقتصادی» به بررسی اثر دسترسی و زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی با توجه به نابرابری درآمد پرداختند. در این مطالعه از داده‌های پانل در ١٤ کشور با نابرابری بالا و ١٤ کشور با نابرابری پایین استفاده شده است. نتایج در دوره زمانی ۲۰۰۶-۲۰۰۰ نشان داد که اثر دسترسی و زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی در کشورهایی با نابرابری درآمدی بالا کمتر است؛ زیرا شکاف دیجیتالی مانع تأثیرگذاری تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی می‌شود. به عبارت دیگر، اثر یک واحد تغییر در دسترسی و استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی بستگی به سطح نابرابری درآمدها دارد. این نتیجه نشان داد که اثر قوی‌ترتکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بر رشد اقتصادی با توزیع مجدد درآمد امکان پذیر است. سلیمی فر و طاهری فرد (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی تحلیلی رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد در کشورهای منطقه امریکای لاتین» به مطالعه رابطه تحلیلی میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد پرداختند. بدین منظور از دو شاخص ضریب جینی و نسبت پراکندگی درآمدی دهکها استفاده کردند. بر اساس نتایج این مطالعه، ارتباط میان رشد اقتصادی و توزیع درآمد در منطقه امریکای لاتین برای برخی کشورها مثبت و برای برخی دیگر منفی بوده است. برای کشورهایی مانند برزیل و آرژانتین رشد اقتصادی و توزیع درآمد هم جهت بوده‌اند، اما در کشورهایی مانند شیلی، رشد همراه با سیاستهای حمایتی جدی دولت، بر توزیع درآمد مؤثر

بوده است. در مجموع از سال ۲۰۰۳ میلادی، در اقتصادهای حوزه امریکای لاتین، روند بهبود در توزیع درآمد آغاز شده است. ویژگی مهم این دوره همزمانی رشد اقتصادی با توسعه برنامه‌های حمایت اجتماعی دولتها ست.

صباحی و ملک الساداتی (۱۳۸۸) در تحقیقی تحت عنوان «اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی» به بررسی تأثیر کنترل فساد بر رشد اقتصادی در سه گروه کشورهای پردرآمد، کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای کم درآمد در دوره زمانی ۱۹۹٦– ۲۰۰٦ پرداختند. نتایج این مطالعه با استفاده از شاخص کنترل فساد تهیه شده توسط مؤسسه بانک جهانی در قالب یک مدل اقتصادسنجی نشان داد که کنترل فساد مالی تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

صامتی و همکاران (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی» با بهره‌گیری از سه مدل سلب آزادی اقتصادی از طریق دخالت بیش از حد دولت و نهادهای مرتبط را یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز گسترش فساد می‌دانند. نتایج با استفاده از روش داده‌های پانل در ۷۳ کشور در دوره زمانی ۲۰۰۳–۲۰۰۰ بیانگر اثر مثبت و معنادار سه جزء اصلی آزادی اقتصادی (ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت ؛ پول سالم ؛ آزادی مبادله با خارجیها) و اثر بی معنی دو جزء دیگر (اندازه دولت و قوانین و مقررات) بر فساد مالی می‌باشد.

لطیفیان (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای تحت عنوان «پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی – سیاسی در کشورهای درحال‌توسعه» از فساد به‌عنوان یکی از عوامل مهم توسعه نیافتگی اقتصادی و سیاسی کشورهای درحال‌توسعه یاد می‌کند و هزینه‌های امنیتی این پدیده و راهکارهای مناسب برای مقابله با این پدیده را شرح می‌دهد.

سیپراستون و زینال[1] (۲۰۱٤) در مطالعه‌ای تحت عنوان «اثر فساد بر رشد اقتصادی» به

1. Cipraston and Zinal

بررسی رابطه فساد و رشد اقتصادی در ٤٠ کشور منتخب درآمد بالا پرداختند نتایج در دوره زمانی ٢٠١٢-١٩٦٠ نشان می‌دهد اثر فساد مالی بر رشد اقتصادی منفی و معنادار است. همچنین میزان این تأثیرگذاری به سطح توسعه و کیفیت مدیریت اقتصادی دولتها وابسته است.

گالو و زاگالس[1] (٢٠١٣) در مطالعه‌ای تحت عنوان «عوامل مشترک سیاست مالی، نابرابری درآمد و رشد» در ٢١ کشور درآمد بالا به روش پانل دیتا به بررسی رابطه بین نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی از طریق سیاستهای مالی پرداختند نتایج در دوره زمانی ٢٠٠٦- ١٩٧٢ نشان می‌دهد مخارج توزیع و مالیاتهای مستقیم اثر معنادار و کاهنده‌ای بر رشد اقتصادی دارند. همچنین مناسب‌ترین استراتژی سیاستهای مالی درزمینه تثبیت مالی، کاهش مخارج غیرتوزیعی است. زیرا این امر موجب افزایش رشد اقتصادی، همزمان با کاهش نابرابری درآمدی می‌گردد.

دابسون و راملوگان[2] (٢٠١٢) در مطالعه‌ای تحت عنوان «چرا فساد نابرابری را در امریکای لاتین کمتر متضرر می‌کند؟» تشریح کردند که فساد مالی می‌تواند عاملی برای گسترش نابرابری درآمدی باشد. همچنین رابطه‌ای بین فساد و نابرابری در امریکای لاتین وجود دارد که علت آن وجود یک بخش غیررسمی بزرگ در این منطقه است. بخش غیررسمی بر ارتباط بین فساد و نابرابری تأثیر می‌گذارد. به‌طورخاص، هنگامی‌که بخش غیررسمی بزرگ می‌شود، تأثیر حاشیه‌ای فساد بر نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد که عموماً در امریکای لاتین این یافته صحیح است.

هونگ[3] (٢٠١٢) در مطالعه‌ای تحت عنوان «فساد، رشد اقتصادی و نابرابری درآمد» در ده کشور آسیایی تشریح کرد که فساد مالی، رشد اقتصادی را افزایش داده است. همچنین ارتباط میان فساد مالی و ضریب جینی به‌عنوان شاخص نابرابری درآمدی در گروه کشورهای

1. Gallo and Sagales
2. Dobson and Ramlogan
3. Huang

منتخب از لحاظ آماری معنادار نیست.

ادس و دی‌تلا[1] (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای با عنوان «علل و پیامدهای فساد: مروری بر دستاوردهای تجربی» به بررسی مشاهدات تجربی کشورها در مورد دلایل و نتایج فساد پرداختند. نتایج نشان می‌دهدکه فساد نه تنها سبب کاهش رقابت در بازار تولیدات و عدم استقلال قضایی می‌شود، بلکه اثر معکوسی نیز بر رشد اقتصادی دارد.

بلک بورن و پول[2] (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای تحت عنوان «اثر اختلاس از درآمدهای مالیاتی» مدلی را ارائه کردند که بر اساس آن اختلاس از درآمد حاصل از مالیات توسط نهادهای عمومی، منجر به تکیه بیشتر دولتها به حق الضرب و هزینه‌ها خواهد شد. این امر موجب می‌شود که تورم افزایش یافته و رشد و سرمایه‌گذاری به واسطه فشار نقدینگی کاهش یابد. این تحقیق اثر فساد مالی و بوروکراسی بر رشد اقتصادی را از دیدگاه اداری بررسی می‌کند. فساد به‌عنوان اختلاس بر نهادهای عمومی که برای دولت هزینه بردار است، مدل‌بندی می‌شود. ناچاراً دولت در این حالت مجبور می‌شود که به منابع دیگر مثل حق‌الضرب تکیه کند. این امر موجب افزایش تورم شده که به‌عنوان مالیات به مصرف‌کننده و سرمایه‌گذار با خاصیت فشار نقدینگی عمل می‌کند. نتیجه در این حالت کاهش در تجمع سرمایه و رشد می‌شود.

آپرجیس و همکاران[3] (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «ارتباط میان فساد و نابرابری درآمدی در امریکا» رابطه علی میان فساد و نابرابری درآمدی را با استفاده از داده‌های پانل در ۵۰ ایالت امریکا در دوره زمانی ۲۰۰۴–۱۹۸۰ بررسی کردند. نتایج حاصل از روش علیت گرنجر نشان داد که یک رابطه علی دو طرفه میان فساد و نابرابری درآمدی هم در کوتاه مدت و هم در بلند مدت وجود دارد.

1. Ades and Di Tella
2. Blackburn and Powell
3. Apergis

ماندل و مارجیت[1] (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر فساد بر نابرابری دستمزدها» به بررسی رابطه فساد و نابرابری دستمزدی پرداختند. مدل این مطالعه یک اقتصاد کوچک باز با بازارهای رقابتی که دو کالای تولید شده در آن با استفاده از سه عامل تولیدی است را در نظر می‌گیرد. این مدل پیش‌بینی می‌کند که به‌دنبال تغییر در درجه فساد، تأثیرگذاری آن بر دستمزد نسبی و مطلق مبهم است.

اندرسن و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان «فساد، خصوصی‌سازی و توزیع درآمد در امریکای لاتین» به ارائه شواهد جدیدی برای نابرابری درآمد در امریکای لاتین در دوره زمانی ۲۰۰۵–۱۹۸۱ پرداختند. آنها با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی دریافتند که کاهش در فساد با افزایش نابرابری مرتبط است.

پاتریک و جیکوبز[2] (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «اثر فساد بر درآمدهای مالیاتی» به بررسی اثر فساد بر درآمدهای مالیاتی دولت در منطقه خاورمیانه پرداختند. نتایج مطالعه بیانگر آن است که مالیات بر درآمد اشخاص و مالیات بر مشاغل آزاد نسبت به سایر مالیاتها بیشتر تحت‌تأثیر منفی فساد قرار دارند. در ضمن، مالیاتهای غیرمستقیم نسبت به مالیاتهای مستقیم بیشتر به فساد واکنش نشان می‌دهند.

امان‌الله و احمد (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «فساد و نابرابری درآمد» با بهره‌گیری از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته در ۷۱ کشور توسعه‌یافته و درحال‌توسعه (۲۰۰۲–۱۹۸٤)، نشان دادند که فساد نه فقط رشد اقتصادی بلکه توزیع درآمد را تحت‌تأثیر قرار داده است. همچنین نابرابری درآمدی برای رشد اقتصادی مضر است. لذا افزایش فساد می‌تواند منجر به افزایش نابرابری شده و رشد اقتصادی را کاهش دهد.

حبیب و زوراویکی[3] (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر فساد اداری بر سرمایه‌گذاری

1. Mandal and Marjit
2. Patrick and Jacobs
3. Habib and Zurawicki

مستقیم داخلی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» در ۱۱۱ کشور دریافتند که فساد اداری تأثیر منفی و معنی داری بر سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و خارجی در دوره زمانی ۱۹۹۸–۱۹۹٤ دارد و تأثیر فساد بر سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی ضعیف‌تر از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. همچنین تأثیر فساد اداری بر سرمایه‌گذاری در حضور متغیرهای درجه باز بودن تجارت و ثبات سیاسی کاهش می‌یابد.

گوپتا[4] و همکاران (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان «رابطه فساد با توزیع درآمد و فقر» با هدف بررسی رابطه فساد با توزیع درآمد و فقر دریافتند که فساد بالا و فزآینده، نابرابری درآمد و فقر را تشدید می‌کند و رشد اقتصادی، کارایی نظام مالیاتی، کارایی مخارج دولتی و تشکیل سرمایه انسانی را کاهش می‌دهد.

با بررسی دقیق مطالعات داخلی و خارجی می‌توان دریافت که وجه تمایز این مطالعه پژوهش با سایر مطالعات در موارد زیر می‌باشد:

اولا: در این مطالعه به آزمون دو نظریه رقیب و متعارض در خصوص تأثیر فساد مالی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد پرداخته شده است. درحالی که در هیچ کدام از مطالعات داخلی و خارجی به آزمون این نظریه‌ها پرداخته نشده است.

ثانیا: این مطالعه از لحاظ جامعه آماری، متغیرهای مورد استفاده به‌ویژه مدل اقتصاد سنجی، روشهای برآورد مدل اقتصاد سنجی با سایر مطالعات داخلی و خارجی تمایز دارد. در این مطالعه برای بررسی اثر فساد بر توزیع درآمد از روشهای پانل ایستا (اثرات ثابت) و پانل پویا (گشتاورهای تعمیم‌یافته) به‌طور همزمان استفاده شده است. از این‌رو نتایج این مطالعه از اعتبار بیشتری برخوردار است. همچنین در این پژوهش از آزمونهای مانایی و همگرایی نیز استفاده شده است. نتایج مانایی در این مطالعه نشان‌دهنده عدم وجود ریشه واحد و درنتیجه عدم وجود رگرسیون کاذب و نتایج همگرایی نشان‌دهنده وجود رابطه بلند مدت میان متغیرها می‌باشد.

4. Gupta,

روش

در این تحقیق با استفاده از مبانی نظری و مطالعات اندرسن و همکاران (۲۰۰۸) و گوپتا[۱] و همکاران (۱۹۹۸) برای بررسی میزان تأثیرگذاری فساد بر توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب با تعدیلاتی از مدل (۱) استفاده شده است.

$$GINICOi,t=\beta_0+\beta_1\ (CORRi,t)+\beta_2\ (UNEMPLOYi,t)+\beta_3\ (OPENNESSi,t)+\beta_4\ (MOBILECELi,t)+\beta_5\ (INF_{it})+\beta_6\ (LnGDP_{i,t})+U_{i,t}$$

در این معادله GINICO[۲] ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد، CORR[۳] شاخص فساد، UNEMPLOY[۴] نرخ بیکاری، OPENNESS[۵] مجموع صادرات و واردات (درصد از GDP) به‌عنوان شاخص درجه باز بودن اقتصاد، MOBILECEL[۶] ضریب نفوذ تلفن همراه به‌عنوان شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا)، INF[۷] نرخ تورم، LnGDP[۸] لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده رشد اقتصادی، U جمله خطای معادله و i، t نشان‌دهنده کشور و زمان می‌باشند.

تحقیق حاضر از نظر هدف یک تحقیق کاربردی، از نظر روش مطالعه علی و از نظر روش تحقیق و ماهیت و شیوه نگرش پرداختن به مسأله تحلیل ثانویه طولی و استنباطی است. ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز بانکهای اطلاعاتی از جمله بانک جهانی[۹] به نشانی www.worldbank.org می‌باشند. جامعه آماری در این تحقیق گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط شامل ارمنستان، بولیوی، گرجستان، بلاروس، برزیل، کاستاریکا، هندوراس، اکراین، ترکیه، تایلند، رومانی، پرو، پاراگوئه، ایران، اکوادور، صربستان، چین، جمهوری دومینیکن، قزاقستان و مقدونیه می‌باشد.

1. Gupta
2. GINI Coefficient
3. Corruption
4. Unemployment (% Total Labor Force)
5. Sum of Exports and Imports (% GDP)
6. Mobile cellular subscriptions (per 100 People)
7. Inflation (% annual)
8. GDP Constant US
9. World bank

یافته‌ها:

قبل از برآورد مدل لازم است مانایی متغیرها بررسی شود جهت بررسی مانایی یا نامانایی متغیرها در این تحقیق از آزمون ریشه واحد پانل[1] استفاده شده است که نتایج حاصل از آزمون لوین[2] و همکاران برای متغیرهای مورد استفاده در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول (۱) بررسی مانایی و نامانایی متغیرها در گروه کشورهای منتخب

متغیر	آزمون ریشه واحد	آماره t $(P-\nabla alue)$	نتیجه
GINICO	Levin, Lin and Chu t*	-۴/۲۷۹۳۷ (۰/۰۰۰۱)	مانا - I(۰)
CORR	Levin, Lin and Chu t*	-۲/۳۰۱۹۸ (۰/۰۱۰۷)	مانا - I(۰)
UNEMPLOY	Levin, Lin and Chu t*	-۴/۱۷۶۵۶ (۰/۰۰۰۱)	مانا - I(۰)
OPENNESS	Levin, Lin and Chu t*	-۳/۸۴۸۰۰ (۰/۰۰۰۱)	مانا - I(۰)
MOBILECEL	Levin, Lin and Chu t*	-۲/۸۹۶۷۷ (۰/۰۰۱۹)	مانا - I(۰)
INF	Levin, Lin and Chu t*	-۷/۰۲۲۲۸ (۰/۰۰۰۱)	مانا - I(۰)
LnGDP	Levin, Lin and Chu t*	-۲/۰۶۲۵۵ (۰/۰۱۹۶)	مانا - I(۰)

بر اساس آماره لوین، لین و چو، ضریب جینی، فساد، نرخ بیکاری، مجموع صادرات و واردات (درصد از GDP) به‌عنوان شاخص درجه باز بودن اقتصاد، ضریب نفوذ تلفن همراه

1. Panel Unit Root test
2. Levin

به‌عنوان شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا)، نرخ تورم و لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی در سطح مانا هستند. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد می‌شود. درنتیجه پایداری داده‌های مورد استفاده در این تحقیق قبل از برآورد مدل مورد تأئید واقع می‌شوند. نتایج حاصل از آزمون هم انباشتگی با استفاده از آزمون کائو (t=۲/۰۲۴٦۱٦) و (p=۰/۰۲۱۵) نشان می‌دهد که رابطه بلندمدت میان متغیرهای مورد استفاده در مدل وجود دارد.

به منظور تخمین معادله (۱) ابتدا لازم است تا نوع روش تخمین جهت نوع خاص داده‌های پانل تعیین شود. بنابراین ابتدا برای تعیین وجود (عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هریک از کشورهای از آماره F استفاده شد. با توجه به میزان آماره F محاسبه شده درجدول (۲) فرضیه صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد می‌شود. درنتیجه رگرسیون مقید (حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نمی‌باشد و باید عرض از مبدأهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا تصادفی) را در مدل لحاظ کرد. سپس برای آزمون این که مدل با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا تصادفی برآورد گردد، از آزمون هاسمن استفاده شد. انجام این آزمون با استفاده از نرم‌افزار ایویوز[1] انجام گرفت. با توجه به میزان آماره χ^2 به دست آمده برای این رگرسیون درجدول (۲) روش اثرات ثابت در تخمین مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد که نتایج مربوط به آنها در جدول (۲) ارائه شده است. علاوه بر تخمین مدل با استفاده از تخمین زنهای اثرات ثابت، مدل تجربی در این تحقیق با استفاده از برآوردگر گشتاورهای تعمیم‌یافته[2] و با تکیه بر مدل پانل پویا تخمین زده شده است. استفاده از این‌روش جهت تخمین مدل مزیتهای فراوانی دارد. برای مثال بک و همکاران[3]، استفاده از این تخمین زن را جهت برطرف کردن واریانس داده‌های سری زمانی بسیار مناسب

1. EVEIWS
2. Generalized Method of Moments
3. Beck

می‌دانند. تخمین‌زن گشتاورهای تعمیم‌یافته با محاسبه تأخیرات ویژه فردی مشاهده نشده[1] در مدل (که به‌صورت وارد کردن متغیر وابسته با وقفه به‌عنوان متغیر توضیحی در مدل انجام می‌شود)، کنترل بهتری بر درون‌زایی کل متغیرهای توضیحی مدل فراهم می‌کنند. نتایج برآورد مدل با استفاده از برآوردگر گشتاورهای تعمیم‌یافته در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲). نتایج برآورد تأثیر فساد بر توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط به روش اثرات ثابت و گشتاورهای تعمیم‌یافته (متغیر وابسته: ضریب جینی)

	اثرات ثابت	گشتاورهای تعمیم‌یافته
متغیرهای توضیحی	**ضرایب** آماره {**t**} **(p-valu)**	**ضرایب** آماره {**t**} **(p-valu)**
C	۹۵/۸۰۸۲۱ {۴/۷۲۰۶۰۳} (۰/۰۰۰۱)	-
GINICO (-1)	-	۰/۴۸۳۹۱۷ { ۱۷/۳۰۱۶۹} (۰/۰۰۰۱)
CORR	۲/۸۷۲۵۲۰ {۴/۵۸۶۵۸۵} (۰/۰۰۰۱)	۲/۱۴۵۸۹۴ {۶/۵۹۸۲۳۲} (۰/۰۰۰۱)
INF	۰/۰۰۳۱۰۱ {۰/۳۴۰۷۴۹} (۰/۷۳۳۷}	۰/۰۱۱۴۰۰ {۲/۱۸۲۱۰۷} (۰/۰۳۰۷)
OPENNESS	−۰/۰۱۲۰۴۳ {−۰/۶۱۵۰۹۵} (۰/۵۳۹۲)	−۰/۰۳۴۶۵۶ {−۷/۲۷۸۷۳۹} (۰/۰۰۰۱)

1. individual specific effects

UNEMPLOY	۰/۲۳۳۳۰۰ {۲/۵۴۵۶۹۳} (۰/۰۱۱۷)	۰/۱۰۴۷۷۳ {۴/۶۷۱۹۷۱} (۰/۰۰۰۱)
MOBILCEL	−۰/۰۲۴۴۹۴ {−۳/۲۳۸۵۲۷} (۰/۰۰۱۴)	−۰/۰۰۹۶۵۲ {−۵/۸۰۷۵۷۲} (۰/۰۰۰۱)
LNGDP	−۴/۸۵۶۴۵۴ {−۲/۴۷۴۵۴۰} (۰/۰۱۴۲)	−۵/۵۱۲۵۶۶ {−۴/۵۱۴۰۵۲} (<۰/۰۰۰۱)
R^2	۰/۹۴۹۶۵۷	-
Fآماره	F (۱۹/۱۸۹) =۱۳۵/۵۵۳۴۱۶ P-value=(<۰/۰۰۰۱)	-
آماره هاسمن	CHISQ (۶) =<۰/۰۰۰۱ P-value=(۰/۰۱۰۰)	-
J-statistic	–	۸۶/۶۳۶۶۱

نتایج حاصل از برآورد رگرسیون (۱) در گروه کشورهای منتخب به روش اثرات ثابت و گشتاورهای تعمیم‌یافته نشان می‌دهد:

- شاخص فساد تأثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط دارد. بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط معنادار میان شاخص فساد و ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد. با افزایش شاخص فساد (دامنه شاخص فساد محاسبه شده توسط بانک جهانی میان ۲/۵ و ۲/۵− قرار دارد که هر چه شاخص محاسبه شده به عدد ۲/۵ نزدیک‌ترباشد وضعیت آن کشور به لحاظ شاخص فساد مناسب‌تراست به عبارت دیگر فساد کمتر است) به‌طور متوسط ضریب جینی در روش

اثرات ثابت ۲/۸۷۲۵۲۰ و در روش گشتاورهای تعمیم‌یافته ۲/۱٤۵۸۹٤ افزایش می‌یابد به عبارت دیگر توزیع درآمد نابرابر می‌گردد.

- در تخمین پویا تورم تأثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص توزیع درآمد دارد. افزایش سطح عمومی قیمتها، سبب کاهش دستمزد واقعی و کاهش قدرت خرید قشر حقوق بگیرو افزایش نابرابری درآمدی می‌گردد. تورم در تخمین ایستا رابطه معناداری با ضریب جینی به‌عنوان شاخص توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط ندارد.
- درجه باز بودن اقتصاد در تخمین پویا، تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب دارد. با افزایش درجه باز بودن اقتصاد، ضریب جینی کاهش یافته و توزیع درآمد مطلوب‌تر خواهد شد. درجه باز بودن اقتصاد در تخمین ایستا رابطه معناداری با ضریب جینی به‌عنوان شاخص توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط ندارد.
- نرخ بیکاری تأثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط دارد. با افزایش نرخ بیکاری، ضریب جینی افزایش یافته و توزیع درآمد بدتر می‌شود.
- ضریب نفوذ تلفن همراه به‌عنوان شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص توزیع درآمد دارد. با بهبود فناوری اطلاعات و ارتباطات، ضریب جینی کاهش یافته و توزیع درآمد بهبود می‌یابد. گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات سبب بهبود دسترسی به جریان آزاد اطلاعات، افزایش تولید و بهبود توزیع درآمد می‌گردد.
- لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی تأثیر منفی و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط دارد. با افزایش تولید

ناخالص داخلی واقعی، درآمد و اشتغال افزایش یافته و توزیع درآمد بهبود می‌یابد.

- مقدار ضریب تعیین در مدل نشان می‌دهد که بیش از نود درصد از تغییرات ضریب جینی به‌عنوان شاخص توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده شده است.
- آماره آزمون سارگان[1] که از توزیع χ^2 با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیتهای بیش از حد مشخص برخوردار است، فرضیه صفر مبنی بر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را رد می‌کند. بر اساس نتایج حاصل از این آزمون متغیرهای ابزاری به کار گرفته شده در تخمین مدل از اعتبار لازم برخوردار هستند. درنتیجه اعتبار نتایج جهت تفسیر تأئید می‌شوند.

بحث

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که فساد مالی تأثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط دارد. با افزایش شاخص فساد (دامنه شاخص فساد محاسبه شده توسط بانک جهانی میان ۲/۵ و ۲/۵- قرار دارد که هر چه شاخص محاسبه شده به عدد ۲/۵ نزدیک‌ترباشد وضعیت آن کشور به لحاظ شاخص فساد مناسب‌تراست به عبارت دیگر فساد کمتر است) به‌طور متوسط ضریب جینی در روش اثرات ثابت ۲/۸۷۲۵۲۰ و در روش گشتاورهای تعمیم‌یافته ۲/۱٤۵۸۹٤ افزایش می‌یابد به عبارت دیگر توزیع درآمد نابرابر می‌گردد. درزمینه تأثیر فساد مالی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد دو نظریه رقیب و متعارض وجود دارد. گروه اول تئوریهایی هستند که فساد را به مثابه نیرویی می‌دانند که با ایجاد اختلال در تخصیص بهینه کالاها، هدایت نخبگان جامعه به رانت‌جویی، کاهش مشروعیت دولتها در ایجاد نهادهای

1. Sargan Test

حامی بازار به عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و از این رهگذر موجبات کاهش رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورده و توزیع درآمد را نابرابر می‌سازند. در نظریه دیگر، فساد با دور زدن قوانین و بوروکراسیهای نابجا و ناکارآمد بازارها، کارگزاران بخش خصوصی را به کاهش هزینه‌های تولید و افزایش سرمایه‌گذاری با کمک مصادیق فساد مالی ترغیب کرده، درنتیجه موجبات رشد و توسعه اقتصادی و توزیع عادلانه‌تر درآمد را فراهم می‌آورد. نتایج حاصل از این پژهش نشان می‌دهد که در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط نظریه گروه دوم صادق است.

با بررسی مطالعات داخلی و خارجی می‌توان دریافت که در هیچ کدام از مطالعات انجام شده به آزمون این دو نظریه رقیب و متعارض در خصوص تأثیر فساد مالی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد پرداخته نشده است. نتایج این مطالعه با نتایج مطالعات اندرسن و همکاران (۲۰۰۸)، چونگ و گرادستین (۲۰۰٤) و هونگ (۲۰۱۲) مشابه و هماهنگ می‌باشد. نتایج این مطالعات نشان داد که کاهش فساد مالی با افزایش نابرابری درآمدی همراه بوده است. هر چند در مطالعه هونگ ارتباط میان فساد مالی و ضریب جینی معنادار نمی‌باشد. این مطالعه از لحاظ جامعه آماری، دوره زمانی، به‌ویژه مدل اقتصاد سنجی، روشهای برآورد مدل با مطالعات اندرسن و همکاران (۲۰۰۸)، چونگ و گرادستین (۲۰۰٤) و هونگ (۲۰۱۲) تفاوت دارد. جامعه آماری در مطالعه اندرسن و همکارانش امریکای لاتین، در مطالعه هونگ ده کشور آسیایی و در این پژوهش گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط می‌باشد. در مطالعه اندرسن و همکارانش از روشهای برآورد مدلهای سری زمانی (حداقل مربعات معمولی) و در مطالعه هونگ از روش تصحیح خطای برداری پانل استفاده شده است. در این مطالعه برای بررسی اثر فساد بر توزیع درآمد از روشهای پانل ایستا (اثرات ثابت) و پانل پویا (گشتاورهای تعمیم‌یافته) به‌طور همزمان استفاده شده است. از این‌رو نتایج این مطالعه از اعتبار بیشتری برخوردار است. همچنین در این مطالعه از آزمونهای مانایی و همگرایی نیز استفاده شده

است. نتایج مانایی در این مطالعه نشان‌دهنده وجود نداشتن ریشه واحد و درنتیجه وجود نداشتن رگرسیون کاذب و نتایج همگرایی نشان‌دهنده وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها است.

نتایج این مطالعه با مطالعات دابسون و راملوگان (۲۰۱۲)، امان‌الله و احمد (۲۰۰۷)، گوپتا، داوودی و آلونسو ترمی (۱۹۹۸)، ادیب پور، محمدی ویایی (۱۳۹۵) و رضایی، حصار، صالحی نژاد (۱۳۹۳) تفاوت دارد. نتایج این مطالعات نشان داد که افزایش فساد مالی، عاملی برای افزایش و گسترش نابرابری درآمد می‌باشد. درحالی که نتایج این مطالعه نشان داد که کاهش فساد مالی سبب افزایش و گسترش نابرابری درآمد می‌شود. جامعه آماری در مطالعه دابسون و راملوگان، امریکای لاتین در مطالعه رضایی و همکاران، گروه کشورهای منتخب منا در مطالعه امان‌الله و احمد، ۷۱ کشور توسعه‌یافته و درحال‌توسعه می‌باشد. در مطالعه دابسون و راملوگان از روشهای برآورد مدلهای سری زمانی و در مطالعات رضایی و همکاران و امان‌الله و احمد از روشهای برآورد مدلهای پانل پویا (گشتاورهای تعمیم‌یافته) استفاده شده است. در مطالعه گوپتا، داوودی و آلونسو ترمی (۱۹۹۸) ارتباط میان فساد با توزیع درآمد و فقر به‌صورت تحلیلی تشریح شده است. در مطالعه ادیب پور، محمدی ویایی (۱۳۹۵) از پنج کشور درآمد متوسط شامل ایران، ترکیه، هند، مالزی و چین استفاده شده است. جامعه آماری این مطالعه فقط در سه کشور ایران، ترکیه و هند همانند مطالعه ادیب پور، محمدی ویایی (۱۳۹۵) می‌باشد. در این پژوهش از بیست کشور درآمد متوسط استفاده شده است. همان طور که می‌دانیم جامعه آماری بزرگ‌ترامکان دستیابی به اطلاعات آماری بیشتر و در نهایت نتایج دقیق‌تررا فراهم می‌آورد. در این راستا شواهد و مطالعات تجربی نشان می‌دهند که اجماع نظر درزمینه ارتباط فساد و توزیع درآمد وجود ندارد (مطالعات تجربی دوگانگی یافته‌ها درزمینه تأثیر فساد مالی بر توزیع درآمد را آشکار می‌سازند) و همچنان جدال بر سر این موضوع در جامعه علمی ادامه دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده در چهارچوب این تحقیق می‌توان پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه کرد:

– استفاده از ابزارهایی مانند پرداخت یارانه به گروههای کم درآمد، اخذ مالیات از گروههای پر درآمد، اصلاح نظام مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیات، گسترش فرهنگ مالیات و شناخت اهمیت آن در توزیع درآمد، کنترل سطح قیمتها به‌ویژه قیمت کالاهای مورد نیاز خانوارهای کم درآمد و توجه به تأمین اجتماعی و بیمه‌های درمانی و اجتماعی و پرداخت یارانه به آنها در جهت بهبود توزیع درآمد توصیه می‌گردد.

– با توجه به تأثیر معنادار فساد بر توزیع درآمد، آزادی و مصونیت مطبوعات در ارایه گزارش فساد اداری و اقتصادی، کاهش بخش غیر رسمی اقتصاد، بازرسی و کنترل بیشتر بر اجرای قوانین و مقررات، تلاش در جهت روشن سازی قوانین و مقررات و رفع برداشتهای شخصی از آنها، ساده‌سازی مقررات و استفاده از تجربه کشورهای موفق توصیه می‌گردد.

– با توجه به تأثیر معنادار فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) بر توزیع درآمد، تهیه و تدوین برنامه‌های مدون درزمینه‌های مختلف از قبیل زیر ساختهای ارتباطی، آموزشی، فرهنگی و اقتصادی جهت تأمین زیرساختهای فاوا و به کارگیری آنها، استفاده بهینه از نیروی انسانی حوزه فاوا، افزایش بهره وری و در عین حال حمایت از رشد فعالیت شرکتهای کوچک و متوسط حوزه فاوا توصیه می‌گردد. همچنین کشورهای درحال‌توسعه باید با سیاست‌گذاریهای مناسب در جهت تقویت موسسات فعال درزمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات گام بردارند.

– با توجه به تأثیر معنادار تولید بر توزیع درآمد، تلاش و برنامه‌ریزی به منظور بهبود فضای کسب‌وکار و کاهش حجم و اندازه دولت و ایجاد شرایط لازم برای مشارکت بیشتر بخش خصوصی توصیه می‌گردد.

– از آن جا که تورم تأثیر معناداری بر توزیع درآمد دارد. اجرای سیاستهای ضد تورمی

توسط دولتها از جمله کاهش حجم نقدینگی، انظباط مالی دولتها، افزایش تولید توصیه می‌گردد.

– با توجه به تأثیر معنادار درجه باز بودن اقتصاد بر توزیع درآمد الگوبرداری از کشورهای موفق درزمینه آزادسازی اقتصادی و سرعت بخشیدن در فرایند عضویت در سازمان تجارت جهانی به منظور آزاد سازی اقتصادی، وضع تعرفه‌های تجاری مطابق با شرایط داخلی و خارجی بازارهای اقتصادی به‌گونه‌ای که منجر به بهبود صادرات و واردات، تولید، اشتغال و سطح درآمد گردیده و فرآیند توزیع درآمد را بهبود بخشد، توصیه می‌شود.

– از آن جا که نرخ بیکاری تأثیر معناداری بر توزیع درآمد دارد. ایجاد اشتغال از طریق تشویق سرمایه‌گذاران در ایجاد کارگاههای تولیدی جدید و کارآفرینی پیشنهاد می‌گردد.

- الوانی، م. و عرب سرخی. س. (۱۳۸۹). مؤلفه‌های تدوین استراتژی ملی مبارزه با فساد جمهوری اسلامی ایران. ***نشریه مدیریت دولتی***، ۲ (٤)، ۳-۲۲.
- ادیب پور، م. و محمدی ویایی، آ. (۱۳۹۵). اثر فساد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد. ***فصلنامه سیاستهای راهبردی و کلان***. ٤ (١٤)، ١٥٣-١٦٨.
- اصغرپور، ح.، سلمانی. ف. و شاریو دهقانی. م. (۱۳۹۰). تأثیر فساد اداری بر نرخ پس‌انداز ناخالص ملی کشورهای منطقه MENA (رهیافت داده‌های تابلویی پویا). ***فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی***، ۳، ۹۹-۱۲۱.
- پورفرج، ع. ر. و عیسی زاده روشن، ی. (۱۳۸۹)، فنآوری اطلاعات و ارتباطات، نابرابری درآمد و رشد اقتصادی. ***فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسیهای اقتصادی سابق)***، ۷ (۲)، ۹٤-۷٥.
- دل انگیزان، س.، شریف کریمی، م. و خالوندی، ز. (۱۳۹۲)، تأثیر شاخص درک فساد مالی بر رشد اقتصادی بر اساس تفکیک بین کشوری در حوزه آزادی اقتصاد به روش گشتاورهای تعمیم یافته GMM. ***فصلنامه علوم اقتصادی***، ۷ (٢٤)، ۲۱-۳۹.
- رضایی، ا.، علیزاده حصار، آ. و صالحیان صالحی نژاد، ز. (۱۳۹۳). تحلیل نقش عوامل بنیادی بر توزیع درآمد با تأکید بر نقش فساد. ***فصلنامه مدلسازی اقتصاد سنجی***، ۱ (۲)، ۹۸-۸۱.
- رهبر، ف.، میرزاوند ف. ا. و زال پور، غ. (۱۳۸۱)، ***بازشناسی عارضه فساد مالی (جلد اول)***. تهران: جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- سلیمی فر، م. و طاهری فرد، ع. (۱۳۸۹). بررسی تحلیلی رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد در کشورهای منطقه امریکای لاتین. ***نشریه فرآیند مدیریت و توسعه***، ۲۳ (۱)، ۳-۲۳.
- شمس الدینی، ع. (۱۳۸۷). تأمین اجتماعی و کاهش نابرابری. ***فصلنامه مفید***، ۱ (۲)، ۱۱-۲۹.
- صامتی، هـ.، هدایت، م. و طور، ی. (۱۳۸۵). بررسی اثر آزادی اقتصادی بر فساد مالی. ***فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران***، ۸ (۲۸)، ۱۰۵-۸۷.
- صباحی، ا. و ملک الساداتی، م. (۱۳۸۸). اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی. ***فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی***، ۵۳، ۱۵۸-۱۳۱.
- لشکری، م. (۱۳۸۸). مقایسه نظریه‌های مختلف در رابطه با تقدم رشد اقتصادی و توزیع درآمد. ***نشریه علوم انسانی دانشگاه پیام نور مشهد***، ٤، ٦٥-٧٨.
- لطیفیان، س. (۱۳۸۵). پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی-سیاسی در کشورهای درحال‌توسعه. ***مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی***، ۷۱، ۲۱۹-۱۸۷.
- محمدبیگی، ع. (١٣٧٦). تأثیر سیاستهای مالی و تکانه‌های قیمت بنزین بر توزیع درآمد و رفاه ایران. ***فصلنامه رفاه اجتماعی***، ۲۸، ۱۲۹-۱۵۰.

- Ackerman, R. (1978). Corruption. ***A study in political economy***. London/ New York: Academic Press.

- Ackerman, R. (1988). ***The Political Economy of Corruption: Causes End Consequences***. World Bank.

- Ades, A. and Rafael D. T, (2012). Causes and consequences of corruption: a review of experimental results. ***Quarterly Journal of Economics***, 114 (1), 83-116.

- Alesina, A. (1998). The polical Economy of High and Low Growth. ***Annual world Bank confernce on Development Econmics,*** 1997, Washington DC world Bank.

- Aman Ullah, A. & Ahmad, E. (2007). The Relationship Between Corruption and Income Inequality. 22nd Annual General Meeting, ***Pakistan Society of Development Economists, Islamabad.***

- Amin Ullah, M. & Eatzez, A. (2016). Inequality and Corruption: Evidence from Panel Data. ***Forman Journal of Economic Studies***, 12, 1-20.

- Anders et al. (2008). Corruption, privatization and income distribution in Latin America. ***Political Research Quarterly***, 13 (7), 45-57.

- Apergis, N. & Dincer, O. C. (2009). The Relationship between corruption and income inequality in U.S. states: ***evidence from a panel cointegration and error correction model.*** Public Choice, 145 (1), 125-135.

- Blackburn, K. & Powell, J. (2011). ***Corruption, inflation and growth***. Economics Letters, 113 (3), 225-227.

- Chong, A. & Gradstein, M. (2004). Inequality and Institution. Research Department Working paper, No. 506, ***Inter- American Development Banlc***: New York, NY.

- Cipraston, A. J. & Zinal, B. (2014). The Effect of Corruption on Economic Growth. ***Europen Journal of Political Economy***, 27 (3), 56-68.

- Clague, C. (Ed.) (1997). ***Institutions and Economic Development: Growth and Governance in Less- Developed and post- Socialist countries***. Baltimore and London: The John Hopkins university press.

- Dobson, S. & Ramlogan, C. (2012). Why is Corruption Less Harmful to Income Inequality in Latin America?. ***World Development,*** 40 (8), 1534-1554.

- El-Ayouty et al. (2003). ***Corruption as Anti-development in perspectives on*** 9/11. Greenwood publishing Group: west port, CT.

- Feng, Y. (2003). De mocracy, ***Governance and Economic performance: Theory and Evidence.*** Cambridge: MA, MIT press.

- Gallo, L. M. & Sagales, R. (2013). Joint Determinants of Fiscal Policy, Income Inequality and Economic Growth. ***Economic Modelling***, 30 (1), 814-824.

- Gupta, S., Davoodi, T. & Alonso-Terme, R. (1998). ***Does Corruption Affect Income Inequality and Poverty***?. IMF Working Paper.

- Habib, M. & Zurawicki, L. (2002). Corruption and Foreign Direct Investment. ***Journal of International Business Studies***, 33 (2), 291-307.

- Hanousek, J. & Kochanova, A. (2015). Bribery environment and firm-performance: Evidence from Central and Eastern European Countries. ***CEPR Discussion Paper*** 10499.

- Huang, Ch. (2012). Corruption, Economic Growth, and Income Inequality: Evidence from Ten Countries in Asia. ***World Academy of Science, Engineering.***

- Jong, S. & Khagram, S. (2005). A comparative study of Inequality and Corruption. ***Amerian sociological Review,*** 10 (1),pp, 136-157.

- Kaufman, D., Kraay, A. & Mastruzzi, M. (2007). The Worldwide Governance Indicators Project: Answering the Critics. ***World Bank Policy Research Working Pape***r No. 4149, Washington, D.C.

- Kaufman, D., Kraay. A. & Mastruzzi, M. (2006). Measuring Governance Using Perceptions Data. In S. Rose-Ackrman (Ed.). ***Handbook of Economic Corruption.*** Washington, DC: World Bank : Edward Elgar.

- Kaufmann, D., Kraay, A., Zoido-Lobaton, P. (1999), Governance matters, Development Economics Research Group, Washington, DC: World Kaufmann, D. and Kraay A. (2007), Governance Indicators: Where Are We, Where Should We Be Going? Global governance Group, ***Policy Research Working Papers,*** No 4370, Washington DC: World Bank .

- Khan, M. (1996). ***A typology of corrupt transactions in developing countries. IDS Bulletin***, 8 (5), pp, 12-21.

- Knack, S. & Keefer, P. (2003). Does social capital Have an Economic Payoof: A cross country emprical investigation. In S. Knack (Ed.). ***Democracy Governance and Growth.*** Ann Arbor: The University of Michigan Press.

- Knack, S. (Ed.) (2003). ***Democracy, Governance and Growth***. Ann Arbor: The university of michigan press.

- La Porto, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A. & Vishny, R. (1998). The Quality of Govermment, ***Journal of Law, Economics and arganisation***, 15 (1), 222-279.

- Li, H., Squire, L. & Zou, H-F. (1998). Explaining International and Intertemporal variations in Income Inequality. ***The economic Journal,*** 108, 26-43.

- Mandal, B. & Marjit, S. (2010). Corruption and wage inequality? ***International Review of Economics and Finance***, 19, 166-172.

- Mauro, P. (1995). Corruption and Growth. Quartely ***Journal of Economics***, 110 (3), 681-712.

- Paldum, M. (1999). The big pattern of Corruption: Economics, Culture and the Seesaw dynamics. Working paper, No.1999-11, ***Department of Economics***, University of Aarhus.

- Patrick, A. & Jacobs, F. (2007). Effect of Corruption on Tax revenues in the Middle East. ***IMF Working Paper.***

- Poirson, H. (1998). ***Economic security, private investment and growth in developing countries***. IMF working paper, wp/9817.

- Tanzi, V. & Davoodi, H. (1997). Corruption, public investment, and growth. IMF working paper 97/139. Washington D.C. Reprinted as chapter? In V. Tanzi (2000). ***Policies, Institutions and the dark side of economics.*** Cheltenham: Edward Elgar.